

پول ایران در دوره صفویه

علی اکبر یزدانی

مقدمه

انسان‌های اولیه که دسته جمعی می‌زیستند، نیازی به تعویض کالا نداشتند. بعد از به وجود آمدن طوایف و قبایل، مبادله کالا به کالا رواج یافت. مبادله کالا به دلایلی با مشکلاتی همراه بود برای رفع مشکلات، ابتدا از فلز برای مبادله استفاده کردند و پس از مدتی به فلزات گرانبها و سبک وزن، از جمله طلا و نقره و مس رو آوردند.

در بیشتر کشورهای شرقی و آسیای، فلزی که در مبادله کالا از آن استفاده می‌شد، حلقه‌ای مشکل بود و در سه هزار سال پیش از میلاد از آن استفاده می‌کردند. می‌توان آن را قدیم‌ترین وسیله مبادله، پیش از اختراع سکه دانست. در کاوش‌های شوش، حلقه‌هایی از ویرانه‌های معابد از دو هزار سال قبل از میلاد به دست آمده است. استفاده از فلزات سبک وزن، کم حجم و گرانبها که معاملات را سهل و ممکن می‌ساخت که مورد قبول عامه قرار گرفت. بدین ترتیب، مرحله پیدایش پول آغاز شد.

واژه پول: پول از کلمه یونانی obols گرفته شده و آن سکه‌ای بود برابر یک ششم درهم یا دراهم، کریستین سن معتقد است کلمه «پول» در زمان اشکانیان به ایران راه یافته است.

«سکه» نام دستگاه آهنینی بود که برای مهر زدن بر پول‌هایی که میان مردم رایج و با آن معامله می‌کردند. به کار می‌رفت، بعدها آن را اثر مصری می‌نامیدند که روی سکه‌ها حک می‌شد؛ بنابراین سکه عبارت است از یک قطعه فلز به وزن معین که روی آن علامت رسمی دولت، یا حکومت که عیار و وزن آن و ارزش آن را تعهد می‌کند، قید شده است.^۱

۱. قائم مقامی، عبدالوهاب، «خلاصه‌ای از پیدایش پول در ایران»، مجله /رمغان، شماره ۶، ص ۲۸۴

مسکوکات دوره صفویه

صفویان، سلسله‌ای معروف از پادشاهان ایران بودند که از سال ۹۰۵ تا ۱۱۳۵ ه.ق، به طور مستمر و پس از آن تا سال ۱۱۴۸ (تا زمان جلوس نادرشاه) به طور رسمی در ایران سطنت کردند. ظهور این سلسله در ایران از چند نظر واحد اهمیت است که مهم‌ترین آنها وحدت ایرانیان، رسمی شدن مذهب تشیع و ترقی صنایع و هنرهاست.

نسب صفویان به شیخ صفی‌الدین اردبیلی، عارف معروف می‌رسد. مؤسس این سلسله، شاه اسماعیل است و پس از شاه اسماعیل، به ده تن از اخلاف وی به سلطنت رسیدند. این سلسله در حقیقت پس از قیام محمود افغان و مسخرشدن هرات و مشهد به دست افغانه و سقوط اصفهان منقرض شد.

پول ایران در دوره صفویه بیشتر نقره و مس بود؛ البته در این دوره پول طلا هم ضرب می‌شد، ولی بیشتر جنبه تشریفاتی داشت؛ در موقع جشن تولدشاه یا جلوس او مقداری سکه طلا ضرب می‌کردند و به عنوان عیدی به مردم می‌دادند و این سکه‌ها در تجارت رواجی نداشت. شاردن، سیاح فرانسوی در این باره می‌نویسد: «پرداخت وجه در ایران به نقره است و طلا در تجارت رواج ندارد».

«عباسی»، بزرگ‌ترین واحد پول نقره بود که شاه عباس صفوی آن را ضرب کرد و به نام او به «عباسی» معروف شد. این پول برابر با ۲۰۰ دینار بود و دو مثقال نقره وزن داشت، ولی بعدها وزن آن به یک مثقال رسید. بعد از «عباسی» از لحاظ ارزش، «محمدی»^۱ است که برابر با ۱۰۰ دینار بود و به وسیله سلطان محمد خدابنده، پدرشاه عباس مرسوم شده و به نام او «محمدی» نام گرفته بود. «شاهی» از عباسی و محمدی کوچک‌تر بود که ۱/۲۰ گرم وزن و معادل ۵۰ دینار ارزش داشت. کوچک‌ترین سکه نقره رایج در عهد صفویه، «بیستی» نام داشت که برابر با ۲۰ دینار بود و هر شاهی، ۱/۵ بیستی می‌ارزید؛ توضیح اینکه سکه بیستی مدتی بعد، از جریان خارج شد و دیگر رواج نداشت. «تومان» هم یک واحد دیگر بود که البته صورت خارجی نداشت و به عنوان واحد محاسباتی به کار می‌رفت و معادل ۵۰ عباسی بود. در سواحل خلیج فارس هم سکه‌ای به نام «لاری» رواج داشت که از نقره خالص ساخته می‌شد و معادل دو شاهی و نیم بود و شکل خاصی داشت. به گفته شاردن: «لاری مانند مفتول گردی است به درشتی قلم که آن را تا کرده باشند و وسط آن به اندازه شست دست است و علامت مخصوصی روی آن دارد. در وسط آن هم مهره‌ای آویخته‌اند که روی آن مهره، نام پادشاه وقت و ارزش سکه ذکر شده است. این سکه از طرف سلسله‌ای که در لارستان حکومت می‌کرد، منتشر می‌شد و چون شاه عباس آن سلسله را منقرض کرد، مقدار آنها فوق‌العاده کم شد.

پول مسی این دوره به نام «قازبیک» بود که گاهی آن را به نام «فلوس» نیز می‌خواندند. هر بیستی معادل ۴ قازبیک بود (هر قازبیک معادل ۵ دینار ارزش داشت) در این دوره، وزن سکه‌ها در تمام ایالات یکسان بود و روی سکه‌ها، کلمات لاله‌الله، محمد رسول‌الله و اطراف آن، نام دوازده امام و در طرف

۱. در بعضی از منابع «محمدی» آمده است.

پول ایران در دوره صفویه / علی اکبر یزدانی

دیگر اسم پادشاه و تاریخ و محل ضرب، منقوش بود. روی پول‌های مسی یک طرف شیر و خورشید و در طرف دیگر، تاریخ و محل ضرب نقش می‌شد و در ضمن، تصاویر گوناگونی از حیوانات از قبیل غزال، گربه، مار، شیر و غیره نیز حک شده بود.^۱

شاردن^۲، سیاح فرانسوی در سفرنامه‌اش (سفر به ایران و هند شرقی) در این مورد چنین می‌نویسد: «ایرانی‌ها هر قسم پولی را زر می‌نامند که به معنی طلا است و سیم در زبان آنها به معنی نقره است. به پول نقره؛ نام در هم می‌دهند و پول طلا را دینار می‌گویند. حساب آنها به دینار و بیستی و تومان است، ولی سکه مخصوص بیستی و تومان ندارند. یک بیستی، مساوی ده دینار و یک تومان معادل ده هزار دینار است. پول‌های رایجشان نقره است. محمدی مساوی دوشاهی، عباسی معادل چهارشاهی و تومان معادل پنج شاهی است. پول مسی عبارت از قازبیک است که هر ده تایی آنها مساوی یک شاهی است. پول طلا ندارند، ولی در موقع تاجگذاری و عیدنوروز، پول طلا سکه می‌زنند. سکه‌های طلا اسم مخصوصی ندارند و ایرانی‌ها آن را طلا و اشرفی می‌گویند. وزن سکه‌ها در همه جا یکسان است. در تمام ایالات سکه می‌زنند و حق ضرب از تمام ممالک دنیا بیشتر است.

نکته جالب توجه در مورد پول‌های ایران از دوره صفویه به بعد، این است که تمام آحاد پول ایران، در واقع، به شیوه اعشاری نگهداری می‌شد. فی‌المثل: ۲۰۰ قازبیک = ۵ بیستی، ۲۰ شاهی = ۱۰ محمدی، ۵ عباسی = ۱۰۰ دینار، یک عباسی = ۲۰۰ دینار، یک محمدی = ۱۰۰ دینار...

در زمان صفویه گرچه در ایران معادن طلا و نقره وجود داشت، ولی استخراج نمی‌شد، زیرا هزینه استخراج یک مثقال نقره و طلا از قیمت آنها در بازار بیشتر بود و لذا بیشتر پول‌ها را از سکه و شمش که از ممالک اروپا وارد می‌کردند، می‌ساختند. همه کسانی که وارد خاک ایران می‌شدند - اعم از تجار ایرانی و خارجیان - موظف بودند که در ایروان یا تبریز، که ضرابخانه شاهی در آنجاها وجود داشت، هر قدر پول نقره داشته باشند، اظهار کنند تا اسم شاه بر آنها ضرب شود. اگر کسی نقره خود را اظهار نمی‌کرد، و گرفتار می‌شد و جریمه زیادی از او دریافت می‌کردند. اما اگر تاجری کار و شغلش اجازه نمی‌داد که در ایروان یا تبریز توقف کند و می‌خواست نقره‌اش را مستقیماً به اصفهان ببرد و در ضرابخانه آنجا سکه بزند، بلیطی از رئیس ضرابخانه ایروان یا تبریز می‌گرفت و همان بلیط برای او سند معامله و ارائه نقره محسوب می‌شد. تاورنیه می‌نویسد: «کم اتفاق می‌افتد که تاجری، نقره خود را به اصفهان برساند؛ به جهت اینکه رؤسای ضرابخانه سرحدی یک تنک^۳ نقره یا چیزی نظیر آن به تاجر تعارف می‌دهند که او را بر آن دارند تا در تبریز یا ایروان نقره خود را به سکه مملکتی تبدیل کند. آنهايي که برای تجارت ابریشم گیلان می‌روند، باید از تفلیس بگذرند، در آنجا رئیس ضرابخانه، صدی دو به آنها منفعت می‌دهد که در آنجا نقره را سکه زنند، به

۱. نشریه بانک و اقتصاد، شماره ۸، ص ۳۵-۳۰.

۲. سیاح فرانسوی (۱۶۸۹-۱۶۰۵) وی در ممالک عثمانی، ایران و هند سیاحت کرد و خاطرات خود را در سفرنامه‌اش منتشر نمود.

۳. کم، اندک، کم حجم.

جهت آنکه پولی که آنجا به ایشان می‌دهند، قدری بار دارد، ولی برای آنها تفاوتی نمی‌کند، زیرا به همان قیمت اسمی این سکه در تمام گیلان رایج است».

دالساندری (Dalessandrie) هم که در عهدشاه طهماسب به ایران آمده، در این مورد می‌نویسد: «کسانی که نقره از ترکیه به ایران وارد می‌کنند، ۲۰ درصد منفعت می‌برند؛ از طلا ۱۴ الی ۱۵ درصد و از مس ۱۸ و گاهی ۲۰ درصد». به همین دلیل، پول زیادی از اروپا و ترکیه (عثمانی) وارد ایران می‌شد، اما این پول‌ها در ایران نمی‌ماند و بیشترشان راه هندوستان را در پیش می‌گرفت. قسمتی از آنها هم در خزانه شاه و صندوق افراد تا ابد زندانی می‌شد. نتیجه این شد که همواره پول نقره خوب در ایران کمیاب بود و به این جهت، دولت خروج پول طلا و نقره را از ایران قدهن کرد و حتی در زمان شاه عباس، مجازات آن اعدام بود، ولی با این حال، قاچاق طلا و نقره از ایران همچنان ادامه داشت و با دادن رشوه به حکام بنادر یا با پنهان کردن پول‌ها در بین کالا، آنها را از ایران خارج می‌کردند. در واقع، در آن دوره هندیان وضع بدی را در ایران به وجود آورده بودند. آنان سرمایه خود را در تجارت بین ۱۸ تا ۲۰ ماه، دو برابر می‌کردند و از اختلاف وزن عیار سکه‌های محلی استفاده کرده، سکه‌های بهتر را از جریان خارج می‌کردند و به هندوستان می‌فرستادند. شاه عباس هم از ورود این دسته به ایران جلوگیری می‌کرد، ولی در اثر رشوه دادن هندیان که به صورت هدایا به شاه صفی دادند، وی به آنها اجازه سکونت و تجارت در ایران را داد.

علاوه بر هندیان، اروپاییان نیز به این کار اشتغال داشتند. مسیوگاردن، کنسول فرانسه در ۲۰ ژانویه ۱۷۲۲ در گزارش خود به وزیر امور خارجه فرانسه در این مورد می‌نویسد: انگلیس‌ها و هلندی‌ها، تمام طلا و نقره ایرانی خود را به صورت شمش یا سکه از ایران خارج می‌کنند. آنها به طور مخفیانه و خیانت‌آمیزی، قلیان و زین و برگ براق و بشقاب‌های طلا و نقره را خریداری کرده، تبدیل به شمش کرده و به هندوستان می‌فرستند...» شایان ذکر است که اگرچه سکه‌های ایرانی روز به روز کم ارزش‌تر می‌شد، باز هم صدور آنها برای هندیان صرف می‌کرد، زیرا پول هندوستان مرتب در مسابقه کم ارزش شدن پول از ایران جلو بود. یکی از دلایل صدور طلا و نقره از ایران هم این بود که معمولاً سلاطین سعی می‌کردند که از نظر حفظ اعتبار خود، سکه‌های خوب و پر عیار سکه بزنند و تا اواخر دوره قاجاریه، این بدعت که حتی الامکان سکه‌های پادشاهان باید خوش عیار باشد، رعایت می‌شد. تهونو (Thevenot) که در زمان شاه عباس دوم (۱۶۶۸-۱۶۶۴) به ایران آمده بود، می‌نویسد: «از آنجایی که سکه عباسی، رایج‌ترین سکه در ایران است، خوب است تذکر این نکته داده شود که این پول یکی از بهترین پول‌های جهان است. این سکه از نقره خالص ساخته شده و ضرابان جرأت ندارند یک سکه را ضرب کنند، مگر آنکه نقره‌های وارده را ذوب کرده، سپس به عباسی تبدیل نمایند. عباسی را با چکش می‌کوبند نه با ماشین، ولی با این همه وزن آنها به قدری خوب و یکنواخت است که وقتی می‌خواهند مبلغ زیادی پول بپردازند، آنها را از روی وزن احتساب می‌کنند.»^۱ روی هم رفته، اعمالی را که در ضرابخانه‌های دوره صفوی انجام می‌شد، می‌توان به نُه دستگاه به شرح

۱. عیساوی، چارلز، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستر، ۱۳۶۲، ص ۱۲۷-۱۲۵.

زیر، تقسیم کرد:

- ۱- دستگاه سیاهی^۱: طلای مغشوش (مخلوط) و نقره کم عیار را خالص می‌کنند.
- ۲- دستگاه قرص کوبی: قرص خالص را به جهت ساختن ضرب می‌کوبند.
- ۳- دستگاه آهنگری: بعد از آنکه قرص کوب کار خود را تمام کرد، فلز را در دستگاه آهنگری به صورت شمش در می‌آورند.
- ۴- دستگاه چرخ کشی: بعد از آهنگری، طلا و نقره را از حدیده^۲ فولاد بیرون می‌کشند.
- ۵- دستگاه قطاعی: طلا و نقره را برای ساختن نقود، قطعه قطعه می‌کنند.
- ۶- دستگاه کهله کوبی^۳: آنچه را از شمش قطع شده است، برای ساختن عباسی و پنج شاهی پهن می‌کنند.
- ۷- دستگاه سفیدگری: رنگ زرد را سفیدگری می‌کنند.
- ۸- دستگاه پخش کنی: عباسی کم وزن را جدا کرده، مجدداً می‌گذارند.
- ۹- دستگاه سکه کنی: استادان سکه کنی با استفاده از این دستگاه، هر روزه به شغل سکه کنی اشتغال دارند.^۴ اما درباره هزینه‌های تحمیلی به پول ایران در دوره صفویه، لازم به یادآوری است که در این دوره، عایدات خزانه دولت از بابت سکه بسیار ناچیز بوده، اما هزینه‌های تحمیلی به سکه بسیار و به همین دلیل، قاچاق سکه‌های خارجی به داخل مملکت صرف داشت؛ حتی واردکنندگان سکه‌های خارجی پس از پرداخت حق‌العمل ضرابخانه، سود زیادی می‌بردند. به طور اختصار، هزینه‌های تحمیلی به پول ایران در دوره صفویه چنین بود:

- ۱- ۵ درصد گمرک عایداتی (که عاید زرگریاشی می‌شد)
 - ۲- هزینه سکه که گاهی تا ۷/۵ درصد بالا می‌رفت و شامل ۱ تا ۱/۵ درصد عادی بود.
 - ۳- مبلغ حق‌الامتیاز شاهی که در زمان شاه سلطان حسین و محمود افغان به شانزده درصد رسید.
 - ۴- سود وارد کننده که گاهی اوقات تا بیست درصد هم می‌رسید.
 - ۵- منفعت غیرمشروع معیرالممالک (رئیس ضرابخانه) یا مستأجران ضرابخانه.
 - ۶- هر گونه تنزل ارزش پول که با اجازه شاه انجام می‌شد.
- به طور کلی، در مدت ۲۵۰ سالی که سلاطین صفویه در ایران سلطنت کردند، ارزش پول ایران تنزل زیادی کرد و واحد رسمی پول، یعنی تومان که ده هزار دینار است، از ۴۰۰ مثقال نقره در زمان شاه اسمعیل، به ۵۰ مثقال نقره در زمان شاه سلطان حسین و محمود افغان کاهش یافت.

۱. سبک، به معنی ریخته‌گر و زرگر است

۲. در لغت به معنی قطعه‌ای از آهن، ابزار آهنین، صفحه‌ای فلزی و سوراخ‌دار است که فلزات را توسط آن به شکل میله نازک و مفتول در می‌آورند.

۳. کهله، ریزه‌های زر و سیم را می‌گویند و زر سفید را نیز گفته‌اند؛ به ترکی هم آنچه خوانند (برهان قاطع، جلد ۳۵) ۴. این اعمال (دستگاه‌ها) در تذکره‌الملوک آمده که در دوران حکومت موقت افغانه (افغان‌ها) بر ایران نوشته شده است.